

مدیریت شهری

فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت شهری و روستایی

شماره ۵۸ . بهار ۱۳۹۹

Urban management

No.58 Spring 2020

۱۳۱-۱۵۰

تاریخ پذیرش ۱۳۹۹/۲/۸

تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۱۲/۱۹

تبیین مولفه‌های الگوی مدیریت شهری منسجم در شهرهای جدید ایرانی

محمد آئینی^۱ مدرس گروه شهرسازی دانشکده عمران، معماری و هنر، دکتری شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

Explaining the Components of Coherent Urban Management Pattern in Iranian New Towns

Mohammad Aeeni

Instructor Urbanism Department, Ph. D of Urban Development, Science and Research Branch of Islamic Azad University

Abstract

The establishment of new towns in Iran has been begun as one of the main urban development policies to lead the overflow of metropolitan populations, prevent the development of marginalization, environmental pollution, and the adjustment of the new towns have been housing price, and So far, 30 located and 18 towns become operational. Urbanism of new towns in all aspects is prior to urbanization. But the truth is that after three decades, the expectations of experts, people and authorities have not been met and there are critical points. Organizational and institutional complicated relationships and multiple actors with heterogeneous capacities and conflicts about management have faced these expectations with serious challenges. Management of these disputes requires an explanation of the components of a coherent urban management pattern in new towns. This research seeks to identify the components of a coherent urban management pattern in new Iranian towns. The methods of research are qualitative content analysis and Fuzzy Delphi method. As a result, three macro components were identified to explain the integrated urban management model in the new Iranian towns: "Strategic policy making for Sublimity in new towns", "Development of Management and Organizational Integration" and "Service Development". For each of these macro components, the micro components and their sub-categories were also identified

Key words:

New Town, Urban Management, Coherent Urban Management Pattern.

چکیده

تأسیس شهرهای جدید در ایران به عنوان یکی از سیاست‌های اصلی توسعه شهری برای هدایت سرریز جمعیت کلان‌شهرها، جلوگیری از توسعه بی‌رویه و حاشیه‌نشینی، کنترل آلودگی محیط‌زیست و تعدیل بازار مسکن در شهرمادر از سال ۱۳۶۴ شمسی آغاز و تاکنون ۳۰ شهر جدید مکان‌یابی و ۱۸ شهر، عملیاتی شده‌اند. با اینکه در شهرهای جدید، شهرسازی در همه ابعاد بر شهرنشینی مقدم است اما پس از گذشت سه دهه، توقعات متخصصان، مردم و مسئولان برآورده نشده و مواضع انتقادی بسیاری مطرح است. نبود الگویی مناسب برای انسجام بخشی به مدیریت این شهرها با وجود بازیگران متعدد با ظرفیت‌های ناهمسان و روابط سازمانی و نهادی پیچیده، و تضادهای آشکار و پنهان، تحقق انتظارات را با چالش‌های جدی مواجه نموده است. این پژوهش برای تبیین این الگوی مدیریت شهری منسجم در شهرهای جدید ایرانی، درصدد شناسایی مؤلفه‌های آن است که با بهره‌گیری از روش‌های تحلیل محتوای کیفی و دلفی‌فازی انجام شد. در نتیجه سه مؤلفه کلان برای تبیین الگوی مدیریت شهری منسجم در شهرهای جدید ایرانی شامل «سیاست‌گذاری راهبردی برای تعالی بخشی به شهرهای جدید»، «توسعه مدیریت و انسجام سازمانی» و «توسعه خدمات» تعیین و برای هر یک از این مؤلفه‌های کلان؛ مؤلفه‌های خرد و اجزای آن نیز شناسایی شدند.

واژگان کلیدی: شهر جدید، مدیریت شهری، مؤلفه، الگوی مدیریت شهری منسجم.

۱ نشانی پستی: تهران، میدان ونک، خیابان خدای، پلاک ۵۱ شماره تلفن: ۸۸۶۷۱۹۱۲-۰۲۱ و ۰۹۱۲۳۲۷۳۸۱۸ نمابر
۰۲۱-۸۷۵۷۲۴۱۴ پست الکترونیک: aeenim@gmail.com

مقدمه

شاید مهمترین اقدام شهرسازی پس از انقلاب اسلامی که از طرف دولت انجام گرفت، برنامه‌ریزی ایجاد شهرهای جدید است (مروجی و مشهدی‌زاده، ۱۳۷۵، ص ۲۷۵). گرایش به ایجاد شهرهای جدید از سال‌های ۱۳۶۴ بطور غیررسمی در محافل شهرسازی ایران مطرح شد و نهایتاً در سال ۱۳۶۸ با تصویب آن در هیأت وزیران شکل رسمی یافت. عوامل متعددی از آن تاریخ تاکنون در وضعیت موفقیت و ناموفقیت این گونه شهرها دخیل بوده‌اند (امامی و عرب، ۱۳۹۶، ص ۱۳۱). طی سال‌های پیش از انقلاب، هدف از احداث شهرهای جدید به نوعی عملکردگرایی اقتصادی (تک یا چندپایه) بود، در حالی که شهرهای جدید امروزی محل اسکان سرریزهای جمعیت شهرهای بزرگ تلقی می‌شوند و این ویژگی، آن را بیشتر به شکل شهرهای جدید اقماری در می‌آورد تا شهرهای جدید صنعتی (Ziari, 2006, p 413). آنچه تاکنون در خصوص شهرهای تازه تاسیس میتوان گفت این است که هیچ کدام از این شهرها پروژه‌هایشان به پایان نرسیده است (هراتی و زیویار، ۱۳۹۱، ص ۷). در حال حاضر از یک سو مسئولان و متولیان این امر یعنی وزارت راه و شهرسازی و خصوصاً شرکت عمران شهرهای جدید بر موفقیت این برنامه پافشاری کرده و قصد ادامه و توسعه این سیاست را دارند و از سوی دیگر منتقدان و متخصصان در گرایشهای مختلف بخصوص برنامه‌ریزی شهری در مورد عدم کارایی و عدم موفقیت این سیاست، نظریات متفاوتی ارائه داده‌اند (زبردست و جهانشاهلو، ۱۳۸۶، ص ۱۲). پدیده احداث شهرهای جدید از همان آغاز با چالشهای فراوانی از جمله نبود ضوابط حقوقی و قانونی، عدم سیاست مدیریت واحد، عدم هماهنگی و همکاری بین سازمانها به دلیل نگرش بخشی، نقصان منابع مالی و اعتباری برای اجرای چنین طرح بزرگی روبرو بوده است (زیویار و رجبی، ۱۳۸۷، ص ۵۳). همچنین با چالشهای جدی همچون عدم تمایل به اسکان و عدم تحقق اهداف جمعیت‌پذیری، کیفیت نازل زندگی شهری، هویت نازل و کسل‌کننده، تعاملات

اجتماعی ضعیف و حمل و نقل گران و ارتباط کند با مادر شهر و مشکلات فراوانی از قبیل نبود قانون مناسب و هماهنگ نبودن سازمانهای مربوط روبه رو بوده است (هراتی و زیویار، ۱۳۹۱، ص ۷). برخی هم آسیب‌شناسی احداث شهرهای جدید را بطور عمده در دو محور رویکرد اجتماع محور و کاستیهای کارشناسانه و فنی به ویژه با تاکید بر مولفه‌هایی همچون فاصله از شهر مرکزی، رویکرد نظری هدایت‌کننده اقدامات، میزان تبعیت از واقعیات اجتماعی حاکم بر فضای برنامه‌ریزی و مدیریت، وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی، میزان تأمین خدمات و زیرساخت، نحوه و میزان رعایت مکان‌گزینی صحیح قابل بررسی دانسته‌اند (سرور و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۴۴). با توجه به چالش‌های ایجاد شده برای شهرهای جدید بدون برخوردار از «یک نظام مدیریتی منسجم و هدفمند» این شهرها نمیتوانند کارآمد و اثربخش باشند (کاظمیان و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۶). برای تبیین این نظام می‌بایست الگوی مدیریت شهری منسجم ویژه شهرهای جدید ایرانی تدوین شود. به منظور تدوین این الگو، شناسایی مولفه‌های شکل دهنده به آن ضرورت دارد. بر این اساس هدف این تحقیق، شناسایی مولفه‌های الگوی مدیریت شهری منسجم شهرهای جدید ایرانی به منظور داشتن شهرهای جدید بهتر است.

پیشینه تحقیق

نظریه رسمی ایجاد شهرهای جدید اقماری را اولین بار لئوناردو داوینچی برای جلوگیری از ازدیاد جمعیت و رفع مشکلات شهری میلان پیشنهاد کرده بود (مزینی، ۱۳۷۳، ص ۲۶۰). انگلستان آغازکننده و پیشرو برنامه‌ریزی و اجرای شهرهای جدید در قرن حاضر بوده که از نظریات و اندیشه‌های پاتریک گدس و هاوارد بهره جسته است (ارجمندنیان، ۱۳۷۸، ص ۴۳). ایده شهر جدید همواره با سه رویکرد مورد توجه بوده است: الف) رویکرد ایده آلیستی در قالب مدینه ی فاضله؛ ب) رویکرد حل مشکلات برای معضلات شهرهای موجود و ج) رویکرد توسعه منطقه‌ای (داستان، ۱۳۸۴، ص ۳۲). در ایران نگاه به موضوع

شهرهای جدید نگاه متفاوتی نسبت به سایر کشورهاست و کارایی و عملکرد آن نیز در ایران با اهداف واقعی ایجاد شهرهای جدید در جهان متفاوت است. به عبارت دیگر به نظر میرسد در ایران احداث شهرهای جدید با توجه به ضرورتها و نیازهای ملی و منطقهای از یک طرف و آمادگیهای فرهنگی، اجتماعی از طرف دیگر احداث شده است، در حالی که در بسیاری از کشورهای پیشرو در امر شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری چنین زمین‌هایی هم در سطح ملی و هم در سطح منطقهای لحاظ شده و احداث شهرها با ویژگیهای اجتماعی و فرهنگی کلانشهرها تطبیق داده شده است (حسینزاده دلیر و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۹). از مهمترین تصمیمات گرفته شده در بعد کالبدی-فضایی و در عرصه برنامه‌ریزی توسعه شهری کشور در دهه شصت، مکانیابی، تصویب و احداث شهرهای جدید در پیرامون برخی شهرهای بزرگ یا شهرهای مراکز استانها بوده است. البته سابقه این گونه اقدامات به قبل از دهه ۶۰ (قبل از وقوع انقلاب اسلامی) برمیگردد و در کشور تعداد محدودی شهر نوین احداث شده، اما شهرهای جدید در قبل از انقلاب عمدتاً از کارکردهای صنعتی و مرکزیت اداری-سیاسی استانی برخوردار بوده‌اند، در صورتی که از دلایل اصلی ایجاد شهرهای جدید پس از انقلاب میتوان جذب سرریز جمعیتی شهرهای بزرگ و اشباع‌شده از جمعیت، به ویژه مادرشهرهای استانی نام برد که بیشتر تحت تاثیر برآوردهای اغراق‌آمیز حجم جمعیت کشور مبتنی بر نرخ رشد بالای جمعیتی اوایل دهه ۶۰ بوده است (حیدری، ۱۳۹۳، ص ۱۱۶). از منظر گونه‌شناسی و طبقه‌بندی شهرهای جدید، اکثر شهرهای جدید ایران شهرهایی اقماری هستند که درون حوزه نفوذ خود قرار گرفته و ارتباطات محکمی با آن برقرار می‌سازند، به طوری که خدمات تخصصی مورد نیاز خود را آنجا طلب میکنند (طلاچیان، ۱۳۸۴، ص ۱۸). در قانون ایجاد شهرهای جدید مصوب تاریخ ۱۶ دیماه ۱۳۸۰ آمده است: «شهر جدید به نقاط جمعیتی اطلاق می‌گردد که در چهارچوب طرح مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خارج از محدوده و حریم شهرها (هرکدام که بزرگتر باشد)

برای اسکان حداقل سیهزار نفر به اضافه ساختمانها و تأسیسات موردنیاز عمومی، خدماتی، اجتماعی و اقتصادی ساکنان آن پیش‌بینی می‌شود» (آئینی، ۱۳۹۳، ص ۳۲۹). احداث شهرهای جدید از همان آغاز با چالشها و مشکلات فراوانی از قبیل نبود قانون مناسب و هماهنگ نبودن سازمانهای مربوط رو به رو بوده است (هراتی و زیویار، ۱۳۹۱، ص ۷). نیاز به ایجاد یک ساختار حکمرانی قوی در توسعه شهرهای جدید (Zamani & Arefi, 2013, p108)، تعریف و سازماندهی مجدد سازمان و مدیریت شهرهای جدید به نحوی که شرکت عمران شهرها (تابعه) به شرکتهایی صرفاً مجری و شرکت مادر به عنوان ستاد سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و طراحی و کنترل تبدیل شود و عملیات اجرایی در شهرها کاملاً تحت کنترل و نظارت شرکت مادر و در نهایت نهاد فرابخشی فوق ضروری است (مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۱۶). نظام مدیریت شهر جدید باید از ابتدای برنامه‌ریزی و ساختمانی شهر طرح و ایجاد شود تا بتواند با مسائل ساخت و ساز و اداره به موقع رو به رو گردد؛ اما در بیشتر موارد این بخش نادیده گرفته میشود و معمولاً پس از بروز مشکلات موضوع مدیریت مطرح میشود (زیاری، ۱۳۹۴، ص ۱۶۶). در بیانیه همایش بین‌المللی شهرهای جدید در سال ۱۳۸۳ آمده است: شهرهای جدید بستری برای اعمال مدیریت یکپارچه شهری است و لازم است از چندگانگی «مدیریت توسعه» در شهرهای جدید اجتناب شود (شرکت عمران شهرهای جدید، ۱۳۸۵، ص ۲۵).

با توجه به این مفاهیم، بررسیها و جستجوهای در پایگاههای منابع اطلاعات علمی داخلی صورت گرفت اما یک تحقیق که مدیریت شهری در شهرهای جدید ایرانی را با مولفه‌ها سازنده آن بررسی نماید، شناسایی نشد. آئینی و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان بررسی چالشهای نظام مدیریت شهری در شهرهای جدید ایران چند راهکار کلی در جهت برنامه‌ریزی و حل چالشهای شناسایی شده در این تحقیق ارائه کرده‌اند که عبارتند از: (یک) ضرورت تبیین نظام مدیریت شهری منسجم در

شهرهای جدید ایران؛ دو) ضرورت تبیین دقیق کنشگران، ذینفعان و ذینفوذان شهرهای جدید؛ سه) ضرورت برنامه‌ریزی و سیاستگذاری یکپارچه در ساخت و مدیریت شهرهای جدید؛ چهارم) ضرورت تحقق مدیریت منسجم و پاسخگو در شهرهای جدید. صالحی (۱۳۸۹) در مصاحبه‌ی چاپ شده‌ای با عنوان شهرداری‌ها و مدیریت بهره‌برداری در شهرهای جدید به بررسی مدیریت شهری شهرهای جدید با تاکید بر نقش شهرداری‌ها پرداخته است که این پیشنهادها در این راستا مطرح می‌کند: الف) تاکید بیشتر بر هماهنگی میانبخشی و مساعدت سایر نهادها و دستگاهها در تامین سریعتر و مطلوب تر زیرساختها؛ ب) حمایت ویژه دولت از شهرداریهای شهرهای جدید؛ پ) جلب مشارکت مردم ساکن در شهرهای جدید (انتخاب شهردار و کارمندان از میان ساکنه)؛ ت) تاکید بیشتر شهرداری به اجرای فعالیتهای و برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی (در راستای تقویت همبستگی اجتماعی شهر)؛ ج) عضویت شهردار در هیات مدیره شرکت عمران؛ چ) الزام به مدیران شهرداری و اعضای شورای شهر برای سکونت در شهر جدید؛ خ) فراهم کردن زمینهای جذب فعالیت های اقتصادی. دفتر امور زیربنایی مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۰) در پژوهشی با عنوان «شهرهای جدید: سنجش دلایل ناکامی‌ها و پیشنهاد راهکارهایی برای آینده» پیشنهاد سازماندهی مجدد سازمان و مدیریت شهرهای جدید شامل شرکت عمران شهرهای تابعه؛ مجری، شرکت مادر؛ ستاد سیاستگذار، برنامه‌ریز، طراح و کنترلگر و شرکت مادر و نهاد فرابخشی؛ عملیات اجرایی را می‌دهد. صفر قائد رحمتی و حسن بهنام مرشدی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «الگوی مدیریت سیاسی در شهرهای جدید با تاکید بر راهبردهای خلاءهای قانونی- اجرایی موجود» پیشنهاد ارائه راهبردهای مدیریت شهری شامل: ایجاد ساختار حاکمیتی توانمند و توسعه‌گرا، ایجاد هماهنگی و تعامل میان نهادها و سازمان‌های موثر، تقویت همکاری‌ها و هماهنگی‌های بین بخشی و درون سازمانی و سوق دادن اهداف و ساختار سازمانی به سمت توسعه‌گری را

می‌دهند. تمامی پژوهش‌های مرتبط با موضوع تحقیق، به نوعی تاکید بر انسجام بیشتر مدیریت شهری شهرهای جدید دارند تا بتوان بر چالش‌های متعدد آن غلبه نمود.

سوال‌های تحقیق

سوال تحقیق پیرامون این است که مؤلفه‌های مدیریت شهری منسجم در شهرهای جدید ایرانی چیست؟

روش‌شناسی

دو روش اصلی در پژوهش انجام شده است شامل روش‌شناسی تحلیل محتوای کیفی و روش‌شناسی دلفی فازی^۱ (FDM) که در ادامه فرایند و جزئیات آن آورده شده است:

الف- روش‌شناسی تحلیل محتوای کیفی

تحلیل محتوا، هر رویه نظام‌مندی است که به منظور بررسی محتوای اطلاعات ضبط شده طراحی شده است (مان به نقل از عادل مهربان، ۱۳۹۴، ص ۲). در اصل تحلیل محتوا به کمک یک سری تکنیک‌های منظم و قانونمند برای تحلیل اطلاعات داخل متن به کار می‌رود، به عبارت دیگر تحلیل محتوا تکنیکی پژوهشی است برای استنباط‌هایی بر حسب شناسایی نظام مند و عینی ویژگی‌های خاص در یک متن (هولستی و استون به نقل از عادل مهربان، ۱۳۹۴، ص ۳) در تحلیل محتوای کیفی از شمردن لغات به تنهایی یا استخراج محتوای عینی فراتر رفته و به سوی دریافت معانی از متن، الگوها و مضامینی که ممکن است در ظاهر یک متن پیدا باشد یا نباشد حرکت می‌کند. در این تحقیق در گام نخست برای فراهم نمودن متون مرتبط اقدام به انجام مصاحبه‌های عمیق با خبرگان، کارشناسان و متخصصان نموده و این مصاحبه‌ها را تا آنجا ادامه داد که مصاحبه‌شوندگان دیگر به هیچ مطلب یا نکته و ملاحظه جدیدی اشاره نکردند؛ به عبارت دیگر اشباع نظری حاصل شد.

جامعه پژوهش شامل ۲۱ نفر از خبرگان، کارشناسان

و متخصصانی می‌باشد که در حوزه مدیریت شهری شهرهای جدید دارای تجارب سرشار و غنی هستند. مشارکت‌کنندگان شامل شش زن و پانزده مرد با هفت مورد تحصیلات دکتری، نه نفر کارشناسی ارشد و پنج نفر کارشناسی دارای تخصص در یکی از حوزه‌های مرتبط با شهرسازی، جامعه‌شناسی گرایش شهری، برنامه‌ریزی شهری، معماری، اقتصاد، حقوق و طراحی شهری؛ پیشکسوتان و دارای تجربه حضور در ساخت و مدیریت شهرهای جدید و یا حداقل دارای تجربه کاری در حوزه مدیریت شهری و شهرداریها هستند که بصورت هدفمند و با روش گلوله برفی وارد مطالعه شدند. یعنی افراد مورد مطالعه براساس هدف تحقیق و نه بر اساس روشهای تصادفی انتخاب شدند. معیارهای ورود به مطالعه شامل: تجربه حداقل ده ساله حرفه‌ای (سوابق مدیریتی و اجرایی) یا دانشگاهی در حوزه شهر جدید و تمایل به شرکت در مطالعه بود. مصاحبه‌ها تا زمان اشباع داده‌ها ادامه یافت؛ یعنی زمانی که کدها و طبقات جدید به دست نیامد، انجام گرفت. به طوری که از مصاحبه بیست و یکم اطلاعات جدیدتری نسبت به داده‌های موجود به دست نیامد. ابزار اصلی در این بخش، مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته بود که به منظور اجتناب از انحراف در پاسخها و بر حسب ضرورت، پاسخها هدایت شدند. محور سوالها در زمینه‌ی اصیلترین مؤلفه‌های مدیریت شهری منسجم در شهرهای جدید ایرانی بود. پژوهشگر از مشارکت‌کنندگان می‌خواست تا ضمن توصیف مؤلفه‌های مدیریت شهری منسجم در شهرهای جدید ایرانی به توصیف تجربیات و ادراکات خود در این زمینه بپردازند. سوال اصلی مصاحبه عبارت بود از: «با توجه به تجربیات شما، اگر بخواهیم مشخصه‌های مدیریت شهری منسجم در شهرهای جدید ایران را برشمردیم جنابالی بر چه مواردی تأکید می‌نمایید؟». همچنین در هر مصاحبه از سوالهای پیگیرکننده‌های نظیر «ممکن است در این مورد بیشتر توضیح دهید؟»، و «آیا منظورتان این است که...؟» بهره گرفته میشد. در پایان از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا اگر حرفی و سخنی باقی مانده است بیان

نمایند. طول مدت مصاحبه‌ها بر حسب شرایط و تمایل مشارکت‌کنندگان و عمق پاسخها، بین ۵۰ تا ۷۵ دقیقه متغیر بود. برای بررسی دقیق، مصاحبه‌ها با کسب اجازه از مشارکت‌کنندگان با استفاده از دستگاه دیجیتالی ضبط و ثبت میشدند تا بتوان تمام اطلاعات و کدهای موجود را از آنها استخراج کرد. جهت تبیین، طبقه‌بندی و رفع هر گونه عدم توافق و تناقضات موجود، فرآیند برگشت به متون و یا مراجعه به مشارکت‌کننده به طور مرتب و مکرر ادامه یافت. در هر مرحله و با پیشرفت کار، تحلیل ترکیبی و کلیتر شکل گرفت تا طبقات اصلی و طبقات فرعی حاصل به بهترین نحو ممکن با هم ارتباط یابند؛ در نهایت با استفاده از رویکرد استقرایی، تحلیل داده‌ها انجام شد. همچنین در زمان خواندن متن مصاحبه‌ها، پاراگرافهای مهم با خواندن خط به خط کاملاً مشخص گردید؛ و زیر قسمتهای مهم خط کشیده شد؛ تا از سایر قسمتها متمایز شوند؛ و به هر پاراگراف یا عبارت مهم یک کد اختصاص داده شد و سپس کدگذاری بصورت دستی انجام شد. در نهایت، با ارائه متون مصاحبه‌ها در اختیار چند فرد خبره و متخصص در روش پژوهش کیفی، توافق و تایید آنها کسب شد. برای دستیابی به صحت و پایایی داده‌ها از معیارهای موثق بودن^۱ گویا و لینکلن شامل: اعتبار^۲، اطمینان‌پذیری^۳، مقبولیت یا تائیدپذیری^۴ و انتقال‌پذیری^۵ (Polit & Beck, ۲۰۱۳, p۳۵) با دقت در انتخاب افراد مطلع کلیدی، حداکثر تنوع در نمونه‌گیری، ارتباط طولانی مدت با مشارکت‌کنندگان و جلب اعتماد آنها، تلفیق روشهای گردآوری داده‌ها (مصاحبه، یادداشت در عرصه، یادآورنویسی)، تخصیص زمان کافی برای انجام مصاحبه‌ها، بررسی مداوم و مقایسه مداوم داده‌ها و طبقات از نظر تشابهات و تفاوتها، چک کردن مجدد یافته‌ها با مشارکت‌کنندگان، ارائه‌ی تحلیل داده‌ها به صورت مشروح و مبسوط و توصیفات عمیق و غنی از پژوهش، سعی در تامین معیارها شد.

- ۱ Trustworthiness
- ۲ Credibility
- ۳ Dependability
- ۴ Confirmability
- ۵ Transferability

ب- روششناسی دلفی فازی (FDM)

هدف اصلی روش دلفی به دست آوردن قابل اطمینانترین توافق نظر گروهی از نظرات خبرگان بوسیله مجموعه‌های از پرسشنامه‌های معتبر همراه با بازخورد کنترل شده است. در واقع روش دلفی یک فرآیند ارتباط گروهی است که می‌تواند فرد فرد خبرگان را به عنوان عضوی از یک گروه برای حل یک مساله پیچیده گرد هم آورد (Habibi et al., 2015, p.135). دلفی، برای جلوگیری از تفکر گروهی، از اصل ناشناس بودن استفاده می‌شود. کارشناسان و افرادی که در این نظرسنجی مورد استفاده قرار می‌گیرند، یکدیگر را نمی‌شناسند (Somerville, 2008, p.188). از میان ویژگی‌های مختلف روش دلفی، چهار ویژگی معمول، از جمله ناشناس بودن، تکرار، بازخورد کنترل شده^۳ و «پاسخ گروهی»^۴ را میتوان برشمرد (Förster & von der Gracht, 2014, p.218). هماهنگ‌کننده، نظرات کارشناسان را جمع‌آوری میکند و سپس خلاصه نتایج را در اختیار اعضا قرار میدهد. سپس، بر اساس نتایج خلاصه شده در مرحله قبل، افراد دوباره نظرات خود را مطرح و بیان میکنند. در نهایت، پس از رسیدن به توافق، نتایج به دست آمده به شکل آماری (معمولاً توسط میانگین یا میانه) گزارش و برای تصمیم‌گیری استفاده میشود (Antcliff et al., 2013, p.112; Cowan et al., 2015, p.58). روش دلفی فازی (FDM) نسخه اصلاح شده و پیشرفته تکنیک کلاسیک دلفی است. دلفی فازی نواقص اصلی دلفی سنتی را که همگرایی پایین در بازیابی نتایج، از دست دادن اطلاعات مهم و مدت زمان طولانی پژوهش بود را بهبود بخشیده و از این جهت میتوان گفت با دلفی فازی پیشرفت مهمی در استفاده از تکنیک دلفی حاصل شده است (Saffie et al., 2016, p.278).

پژوهش حاضر در بخش دوم خود مؤلفه‌های مدیریت شهری منسجم در شهرهای جدید ایرانی، شناسایی شده

- ۱ Anonymity
- ۲ Iteration
- ۳ Controlled feedback
- ۴ Group response

از طریق تحلیل محتوا را مورد آزمون قرار داد که این کار یا بهره‌گیری از روش دلفی فازی صورت پذیرفت. برای انجام دلفی فازی در پژوهش حاضر مراحل زیر بصورت گام به گام انجام شدند:

مرحله اول: شناسایی خبرگان و متخصصان

در این مرحله ابتدا به کمک مشاورانی مشخص شد که تیم خبرگان باید از نظر رشته تحصیلی، شغل، سازمان محل خدمت، تخصص و مهارت دارای ویژگی‌های لازم جهت مشارکت در پژوهش حاضر باشند. علاوه بر این، ویژگی‌های دیگری از قبیل توانایی و تمایل به مشارکت، داشتن فرصت مناسب برای مشارکت و دارا بودن مهارت‌های ارتباطی موثر و علاقمندی به موضوع نیز در انتخاب خبرگان مدنظر قرار گرفت. نمونه‌ها عمدتاً با ملاک آثار علمی، مقالات، سوابق تدریس و تجارب شغلی و سازمانی در ارتباط با موضوع انتخاب گردیدند. برخی از نمونه‌ها نیز به شکل گلوله برفی انتخاب شدند. در نهایت تعداد ۲۲ نفر از خبرگان جهت حضور در پانل پاسخگویی مشخص گردیدند. خبرگان به جز یک نفر، مرد با سابقه حداقل ۶ سال و حداکثر ۲۷ سال با میانگین ۱۸/۵ سال می‌باشند. از نظر تحصیلی، چهار نفر کارشناسی، یازده نفر کارشناسی ارشد و هفت نفر دکتری در رشته‌های گوناگون شامل مدیریت، عمران، برنامه‌ریزی آموزشی، مدیریت بازرگانی، اقتصاد، معماری، حمل و نقل، مهندسی، کشاورزی، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، حقوق، مدیریت ساخت و شهرسازی هستند. تقریباً تمام خبرگان دارای پستهای سازمانی رده بالایی همچون مدیر عامل و یا عضو هیات مدیره، شهردار عضو شورای شهر، مدیر و معاون و رئیس در شرکت شهرهای جدید مختلف و معاونت عمرانی فرمانداری هستند. ویژگی‌های خبرگان نشان‌دهنده تجربه بالای مشارکت‌کنندگان، وزن بالای تحصیلات و اهمیت تخصص‌هایشان، نگاه تک‌وجهی ناشی از تنوع تخصص‌ها و اشرافیت کامل و جامعی نسبت به موضوع با توجه به سمت‌هایشان دارند، بنابراین اعتبار پاسخهای آنها میتواند مورد اطمینان باشد.

مرحله دوم: تدوین پرسشنامه و ارزیابی آن

پرسشنامه بر اساس نتایج بخش نخست تحقیق تدوین شد. گویه‌ها همه به شکل پرسش‌های بسته تدوین شدند و در قالب طیف پنج درجه‌ای لیکرت که شامل پاسخهای «کاملاً موافق»، «موافق»، «بینظر»، «مخالف» و «کاملاً مخالف» تدوین شده بودند. بعد از تدوین پرسشنامه و بازبینی در اختیار سه نفر از خبرگان قرار گرفت تا نظر خود را در مورد گویا بودن سوالات و وجود ابهام در درک آنها بیان کنند که در نهایت با ملاحظه نظرات آنها پرسشنامه نهایی تدوین گردید.

مرحله سوم: ارسال پرسشنامه اول به خبرگان

پرسشنامه با توضیحات مختصری در مورد اهداف پژوهش و نحوه پاسخگویی به سوالات به همراه دستورالعمل مختصر و شماره تماس محقق برای پاسخگویی به سوالات احتمالی به خبرگان تحویل داده شد. در کل ۲۰ روز برای تحویل تمام پرسشنامه‌های اول زمان صرف شد. در هنگام تحویل به خبرگان توضیح داده شد که پس از جمع‌بندی احتمالاً دو یا سه بار دیگر از همکاری آنان استفاده خواهد شد.

مرحله چهارم: تجزیه و تحلیل نظرات پاسخگویان در فاز اول

جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش دلفی فازي گام‌های زیر طی شدند:

گام اول) جمع‌آوری نظرات خبرگان: در این گام از متغیرهای زبانی برای طراحی پرسشنامه و جمع‌آوری نظرات خبرگان استفاده شد.

گام دوم) محاسبه ارزش فازی هر سوال: در این گام بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده به محاسبه ارزش فازی هر یک از سوالات (مولفه‌ها) پرداخته شد. برای محاسبه ارزش فازی هر یک از سوالات بر اساس فرمول لیو و لیو^۱ عمل گردید (Liu & Liu, ۲۰۰۳, ۴۴۷). در روش

با فرض اینکه ارزش فازی هر یک از سوالها به صورت نمایش داده شود، بطوری که L_j حد پایین، M_j حد وسط و U_j حد بالای این عدد فازی باشد،

فازی همه نظرات خبرگان در محاسبه ارزش فازی هر سوال مشارکت داده میشوند.

گام سوم) تبدیل ارقام فازی به ارقام فازی بر مبنای یک: جهت استفاده از فرمول توافق خبرگان که توسط چانگ و همکاران (۲۰۱۱) و لیو و لیو (۲۰۰۳) معرفی شده تمام ارقام فازی بر نمره حداکثر که پنج است تقسیم میشود تا نمرات بر مبنای یک درآیند.

گام چهارم) محاسبه مجذور تفاضل نمرات فازی هر سوال از میانگین وزنی فازی: برای این هدف ابتدا نمره میانگین هر کدام از نمرات حداقل (L)، بینابین (M) و حداکثر (U) محاسبه شده و این مقدار از تک تک نمرات فازی کم شده و نتیجه به توان دو رسانده میشود.

گام پنجم) محاسبه میزان عدم توافق بین خبرگان: برای این هدف بر اساس فرمول چانگ آن^۲ (Chang et al., ۲۰۱۱) میزان عدم توافق میان خبرگان محاسبه میشود تا در صورت عدم توافق سوالها مربوطه حذف شود و عملیات دلفی فازی در مراحل بعدی با حذف آن سوالات انجام گیرد.

مرحله پنجم: آماده سازی پرسشنامه مرحله دوم

در این گام با توجه به نتایجی که از فاز اول حاصل میشود، به طراحی پرسشنامه فاز دوم مبادرت میگردد. در این مرحله بر اساس مقادیر عدم توافق میان داوران پرسشنامه جدید تنظیم میشود.

مرحله ششم: ارسال پرسشنامه دوم به خبرگان

بعد از حذف سوالات کم اهمیت و جمع‌بندی نتایج مرحله اول پرسشنامه دوم تدوین و همانند مرحله اول در اختیار خبرگان قرار میگیرد. علاوه بر پرسشنامه، مختصری از یافته‌های مرحله اول در اختیار خبرگان قرار میگیرد.

بصورت زیر خواهد بود:

$$d(\bar{m}, \bar{n}) = \sqrt{\frac{1}{3}[(m_1 - n_1)^2 + (m_2 - n_2)^2 + (m_3 - n_3)^2]}$$

مرحله هفتم: تجزیه و تحلیل نظرات پاسخگویان در فاز

دوم

در این مرحله همان فرآیندی که برای تحلیل پاسخها در فاز اول توضیح داده شد، طی شد و میزان توافق پاسخگویان مورد ارزیابی قرار گرفت.

مرحله هشتم: آماده سازی گزارش نهایی توسط گروه

تحلیلگر

از آنجایی که هدف اصلی روش دلفی به دست آوردن قابل اطمینانترین توافق نظر گروهی از نظرات کارشناسان به وسیله مجموعه‌های از پرسشنامه‌های معتبر همراه با بازخورد کنترل شده است؛ بنابراین در نهایت تیم تحقیق نتایج حاصل از فازهای اول و دوم پژوهش حاضر را به شکل میزان توافق گروهی خبرگان گزارش کرده‌اند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

تحلیل دو روش پژوهش مذکور شامل یافته‌های زیر است:

الف- تجزیه و تحلیل روششناسی تحلیل محتوای کیفی

به همراه مصاحبه

با مرور و تحلیل مصاحبه‌ها ۵۴ کد اولیه در محور مؤلفه‌های مدیریت شهری منسجم در شهرهای جدید ایرانی شناسایی شد که در مرحله بعد این کدها در سه طبقه اصلی مطابق جدول ۱ طبقه‌بندی شدند: سیاستگذاری راهبردی برای تعالی بخشی (با دو طبقه فرعی)، توسعه مدیریت و انسجام سازمانی (با هفت طبقه فرعی) و توسعه خدمات (با سه طبقه فرعی).

۱- سیاستگذاری راهبردی برای تعالی بخشی

هر چه مدیریت شهری در شهرهای جدید به جای پرداختن به حواشی و امور روزمره به فکر تعیین و به روزآوری چشماندازها و تعریف راهبردهای مناسب برای تقویت جایگاه شهرهای جدید در منظومه شهری کشور و حتی در سطح بین‌الملل باشد، میزان انسجام خود را در سطحی بالاتر نشان خواهد داد. این موضوع خود دربرگیرنده دو طبقه زیر است:

۱-۱- به روز آوری سیاستها و راهبردهای کلیدی

این طبقه خود شامل چهار زیرطبقه شامل: تعریف کارکرد و نقش ذاتی برای شهر با هدف دست یابی به خودکفایی اقتصادی و شغلی و جلوگیری از خوابگاهی شدن شهر جدید؛ تدوین و اجرای برنامه راهبردی و چشمانداز برای افق مورد نظر؛ جلب مشارکت و سرمایه‌گذاری اولیه دولت در ایجاد زیرساختها بخصوص حمل و نقل سریع و ایمن بین شهر جدید و شهر مادر و به روزآوری و تمهید ابزارهای قانونی، حقوقی، مالی، تشکیلاتی و فنی برای توسعه و مدیریت شهرهای جدید، است.

۱-۲- هویت بخشی

شهرهای جدید برای رسیدن به شکوفایی و تعالی باید بتوانند برای خود هویتی ارزشمند دست و پا کنند تا بوسیله توسط آحاد مردم کشور و حتی دنیا شناخته شوند تا بدینوسیله مورد علاقه آنها برای سفر و یا سرمایه‌گذاری قرار گیرند. این مهم جز با هویت بخشی و تبدیل شدن شهر جدید به مرکز یک رویداد خاص و یا یک خدمت تخصصی و ویژه ممکن نمی‌شود. هویت بخشی به عنوان یک طبقه فرعی خود شامل سه زیرطبقه شامل: تمهید هویت با خلق وجه متمایز برای شهر جدید با سایر شهرها؛ تمهید حس تعلق ساکنان با خلق حس مکان و نظایر آن و جذب و تسهیل مشارکت ساکنان در برنامه‌ریزیها و تصمیم‌گیریها است.

۲- توسعه مدیریت و انسجام سازمانی

دومین مؤلفه مدیریت شهری منسجم در شهرهای جدید ایرانی مورد تأکید این پژوهش میزان توسعه یافتگی و انسجام سازمانی آن است. به هر میزان، روابط مطلوب و هم‌افزای اجزای این سازمان نهادینه و بهبود یافته باشد، انسجام بیشتری در مدیریت شهری شهرهای جدید وجود خواهد داشت؛ که خود شامل هفت زیرطبقه زیر است:

۱-۲- نهادینه سازی

انسجام سازمانی نیاز به فرهنگ سازمانی عمیق و نهادینه شدن رفتارهای سازمانی متناسب با آن دارد. نهادینه سازی نیاز به تلاش مستمر و وافر دارد. نهادینه‌سازی

شفافسازی و پاسخگویی در قبال برنامه‌ها توسط همه اجزای مدیریت شهری؛ تناسب سطح انتظار ساکنان و توان مدیران شهر؛ فراهم بودن دسترسی به اطلاعات مورد نیاز برای همه اجزای مدیریت شهری است.

۲-۴- توسعه منابع انسانی و مدیریت

بیشک منابع انسانی در تمامی سیستم‌های مدیریتی نقش بارز و بیبدیلی را ایفاء میکند. منابع انسانی هوشمند و کارآزموده را میتوان عنصر اصلی انسجام در مدیریت شهری در شهرهای جدید دانست. این پژوهش برای این طبقه‌ی فرعی از دومین مؤلفه اصلی مدیریت شهری منسجم به سه زیرطبقه شامل: برخوردار از مدیران و نیروی انسانی متخصص، توانمند، با تجربه و تعاملگر؛ رویه‌های مطلوب انتخاب مدیران متناسب با شرایط شهرهای جدید و دانش سازمانی باثبات در مدیریت دست یافته است.

۲-۵- توسعه مدیریت منابع مالی

بدون تجهیز و جلب منابع مالی مورد نیاز برای ساخت و توسعه شهرهای جدید، نمی‌توان انتظار انسجام در مدیریت این شهرها داشت. لذا توسعه مدیریت منابع مالی نقش بسزایی در انسجام بخشی به مدیریت شهرهای جدید ایفاء می‌کند. توسعه مدیریت منابع مالی به عنوان یک طبقه‌ی فرعی از دومین مؤلفه انسجام در مدیریت شهری شهرهای جدید ایرانی، خود شامل شش زیرطبقه شامل: فرآیند مناسب برای جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی متناسب با ویژگی‌های خاص و موقعیت شهرهای جدید؛ متوازن بودن درآمد و هزینه اداره شهر (با توجه محدودیتها و کمبودهای منابع مالی)؛ استفاده از روشهای نوین تأمین مالی توسعه شهرهای جدید؛ بینه مالی مطلوب شهرداری‌های شهرهای جدید؛ تنوع در سبد داراییهای شهرداریها و جذب کمکهای دولت و ایجاد تعهدات مالی قانونی برای دولت در تأمین زیرساخت اولیه شهر جدید است.

به عنوان یک طبقه‌ی فرعی خود شامل شش زیرطبقه شامل: برنامه‌ها و اقدامات آموزش و ترویج مفاهیم مرتبط با نظام و سازمان مدیریت شهری شهرهای جدید در بین تمامی اجزای مدیریت شهری؛ مسئولیتپذیری درون و برون سازمانی در تمامی دستگاههای مدیریت شهری در شهرهای جدید؛ همکاری و تعامل بین دستگاههای مدیریت شهری؛ درک مناسب از جایگاه، ظرفیتهای و توانمندیهای اجزای مدیریت شهری؛ پذیرش عمومی سیاست و برنامه ایجاد شهرهای جدید در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و محلی و پاسخگویی دستگاههای خدماترسان به شهرداری و شورای اسلامی شهر است.

۲-۲- نهادسازی

توسعه مدیریت و انسجام سازمانی نیاز به وجود نهادها و دستگاههای وافی و کافی دارد و از طریق نهادسازی دقیق و لازم و ضروری صورت میپذیرد. نهادسازی به عنوان یک طبقه‌ی فرعی خود شامل پنج زیرطبقه شامل: تشکیل به هنگام شهرداری و سایر دستگاههای خدماترسان در شهر جدید؛ فعال بودن تمامی دستگاههای خدماترسان و نهادها و ادارات مدیریت شهری مورد نیاز؛ ظرفیتسازی قبل از انتقال وظایف از سازنده به شهرداری و سایر دستگاههای خدماترسان؛ عدم وابستگی به مراجع دولتی مرکزی و غیرمحلی در اقدامات و فعال بودن ستاد راهبری و هماهنگی دستگاههای مدیریت شهری شهر جدید است.

۲-۳- بهبود روابط نهادی

بهترین جلوه توسعه مدیریت و انسجام سازمانی وجود و برقراری روابطی شفاف و دقیق بین اجزای مدیریت شهری در شهر جدید است. لذا بهبود روابط نهادی به عنوان یک طبقه‌ی فرعی خود شامل شش زیرطبقه شامل: روابط کاری دقیق و شفاف بین اجزای مدیریت شهری؛ رقابت و همکاری سازنده و هماهنگی با مدیریت شهری مادرشهر؛ تعامل با مقامات و نهادهای محلی، شهرستانی، استانی و ملی توسط سازنده شهر؛ اطلاع‌رسانی،

۲-۶- قانونگرایی

عدم پایبندی به قانون و ضوابط شهری در هیچ شهری پسندیده نیست که این موضوع در شهرهای جدید بسیار ناپسندتر و غیرقابل قبولتر است. از سوی دیگر، میتوان بیان داشت هیچ چیز به اندازه عدم رعایت قانون نمیتواند به تشمت در سازمان مدیریت شهری بینجامد. این پژوهش برای این طبقه فرعی از دومین مؤلفه مدیریت شهری منسجم در شهرهای جدید ایرانی خود به چهار زیرطبقه شامل: اقدامات مناسب برای جلوگیری از شهرفروشی، تراکم فروشی و تغییرات زیاد در طرحهای توسعه شهری؛ مدیریت و پاسخگویی متناسب به درخواستهای سیاسی برای توسعه فضایی با لحاظ نمودن ظرفیت زیرساختها؛ مدیریت معارضان اراضی و تصرفات محلی و ممانعت قانونی از بورس بازی زمین و برنامه عملیاتی برای مدیریت (کاهنده) پروندههای کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداریها، دست یافته است.

۲-۷- نظارت و کنترل

تداوم انسجام بسیار مهمتر از دستیابی موقتی به آن است؛ این تداوم محقق نمیشود مگر با پایش و نظارت مداوم و پیشگیری از عوامل آسیب زا. بنابراین نتایج این پژوهش به صورت ویژه به این مهم توجه نموده و آن را به عنوان یک طبقه فرعی که خود شامل چهار زیرطبقه شامل: پایش مداوم اجرای به موقع تعهدات تمامی اجزای مدیریت شهری؛ پایش و ارزیابی دستگاههای خدمات رسان در خصوص تکمیل خدمات شهر جدید؛ فعال نمودن سیستم اطلاعاتی رصد و پایش مدیریتی شهرهای جدید و پایش مداوم تمامی سیستمها و زیرسیستمهای شهر جدید برشمرده است.

۳- توسعه خدمات

سومین مؤلفه‌های مورد تأکید نشانگر انسجام مدیریت شهری، میزان توفیق آن در تأمین و توسعه خدمات مورد نیاز شهروندان شهرهای جدید است. به عبارت دیگر، هر چه خدمات توسعه یابد به همین میزان انسجام

بیشتری وجود خواهد داشت. این طبقه خود شامل

طبقات فرعی زیر است:

۳-۱- توسعه خدمات شهری

ساکنان شهرهای جدید برای ماندگاری در شهر جدید بیش از هر چیز به مدرسه برای تحصیل فرزندان، درمانگاه برای معالجه فوری و سیستم حمل و نقل عمومی در دسترس نیازمند میباشند. نبود و یا کمبود این خدمات باعث تشمت و نابسامانی شدیدی در حوزه مدیریت شهری می باشد. توسعه خدمات شهری به عنوان یک طبقه فرعی خود شامل دو زیرطبقه شامل: دسترسی بهینه به شهر مادر و پایانهها و سامانه حمل و نقل عمومی انبوه، امن، سریع و ارزان و بهبود مداوم خدمات زیربنایی و روبنایی است.

۳-۲- توسعه خدمات فرهنگی - اجتماعی

امروزه نیازهای فرهنگی و اجتماعی شهروندان در تمامی شهرها به ویژه در شهرهای جدید به دلیل ضعف در شکلگیری ساختارهای فرهنگی و اجتماعی خود بر کسی پوشیده نیست و از این حیث نبود و یا کمبود خدمات فرهنگی و اجتماعی به اندازه نیازهای کالبدی فشار لازم را بر مدیریت شهری وارد میکند و انسجام سازمان مدیریت شهری بدون تأمین مناسب این نیاز دست یافتنی نیست. توسعه خدمات فرهنگی و اجتماعی به عنوان یک طبقه فرعی خود شامل دو زیرطبقه: تأمین خدمات فرهنگی - اجتماعی برای ارتقای میزان هم پیوندی گروههای اجتماعی و واجد برنامه‌ها و رویدادهای فرهنگی - هنری در مراکز و پاتوقهای شهری برای نشاط اجتماعی است.

۳-۳- بهبود کالبد، سیما و منظر و محیط زیست شهری

اغتشاش در کالبد، سیما و منظر و محیط زیست شهری معلول تشمت در مدیریت شهری شهرهای جدید است، بنابراین بهبود آن‌ها می‌تواند نشانگر انسجام مدیریتی باشد. این طبقه فرعی خود شامل نه زیرطبقه شامل: دستورالعمل‌های اجرایی برای طراحی معماری و شهری و منظر و تطبیق پوشش گیاهی متناسب با اقلیم منطقه

مبتنی بر ویژگیهای زمینه، طراحی و اجرای پروژههای هویتبخش، توسعه فضاها و قلمروهای عمومی با ایجاد پاتوقهای شهری، کنترل پراکندگی بخشهای مختلف شهر و خامفروشی اراضی، مدیریت توسعه و ساخت شهر مبتنی بر برنامه، تامین ایمنی در ساختار شهری با تقویت ساختار مدیریت بحران و پدافند غیرعامل، تامین و ارتقای امنیت سکونت و فعالیت، برنامهها و اقدامات کنترل آلودهکنندههای محیط زیستی و مدیریت و ساماندهی حرایم احصاء نموده است.

جدول ۱- مؤلفه‌های مدیریت شهری منسجم در شهرهای جدید ایرانی (مأخذ: یافته‌های پژوهش)

| مؤلفه‌های کلان | مؤلفه‌های خرد | اجزاء |
|------------------------------------|--|--|
| سیاستگذاری راهبردی برای تعالی بخشی | به روز آوری سیاست‌ها و راهبردهای کلیدی | تعریف کارکرد و نقش ذاتی برای شهر با هدف دست یابی به خودکفایی اقتصادی و شغلی و جلوگیری از خوابگاهی شدن شهر جدید |
| | | تدوین و اجرای برنامه راهبردی و چشم انداز برای افق مورد نظر |
| | | جلب مشارکت و سرمایه‌گذاری اولیه دولت در ایجاد زیرساختها بخصوص حمل و نقل سریع و ایمن بین شهر جدید و شهرمادر |
| توسعه مدیریت و انسجام سازمانی | | به روزآوری و تمهید ابزارهای قانونی، حقوقی، مالی، تشکیلاتی و فنی برای توسعه و مدیریت شهرهای جدید |
| | هویت بخشی | تمهید هویت با خلق وجه ممیزه برای شهر جدید با سایر شهرها |
| | | تمهید حس تعلق ساکنان با خلق حس مکان و نظایر آن |
| | | جذب و تسهیل مشارکت ساکنان در برنامه ریزیها و تصمیم گیریها |
| | نهادینه سازی | برنامه ها و اقدامات آموزش و ترویج مفاهیم مرتبط با نظام و سازمان مدیریت شهری شهرهای جدید در بین تمامی اجزای مدیریت شهری |
| | | مسئولیت پذیری درون و برون سازمانی در تمامی دستگاههای مدیریت شهری در شهرهای جدید |
| | | همکاری و تعامل بین دستگاه های مدیریت شهری |
| | | درک مناسب از جایگاه، ظرفیتها و توانمندیهای اجزای مدیریت شهری |
| | | پذیرش عمومی سیاست و برنامه ایجاد شهرهای جدید در سطوح مختلف ملی، منطقه ای و محلی |
| | | پاسخگویی دستگاههای خدمات رسان به شهرداری و شورای اسلامی شهر |

| مؤلفه‌های کلان | مؤلفه‌های خرد | اجزاء |
|--|-----------------------------|--|
| توسعه مدیریت و انسجام سازمانی | نهادسازی | تشکیل بهنگام شهرداری و سایر دستگاه‌های خدمات رسان در شهر جدید |
| | | فعال بودن تمامی دستگاه‌های خدمات رسان و نهادها و ادارات مدیریت شهری مورد نیاز |
| | | ظرفیت سازی قبل از انتقال وظایف از سازنده به شهرداری و سایر دستگاه‌های خدمات‌رسان |
| | | عدم وابستگی به مراجع دولتی مرکزی و غیرمحملی در اقدامات |
| | | فعال‌بودن ستاد راهبری و هماهنگی دستگاه‌های مدیریت شهری شهر جدید |
| توسعه مدیریت و انسجام سازمانی | بهبود روابط نهادی | روابط کاری دقیق و شفاف بین اجزای مدیریت شهری |
| | | رقابت و همکاری سازنده و هماهنگی با مدیریت شهری مادرشهر |
| | | تعامل با مقامات و نهادهای محلی، شهرستانی و استانی و ملی توسط سازنده شهر |
| | | اطلاعرسانی، شفاف‌سازی و پاسخگویی در قبال برنامه‌ها توسط همه اجزای مدیریت شهری |
| | | تناسب سطح انتظار ساکنان و توان مدیران شهر |
| | | فراهم بودن دسترسی به اطلاعات مورد نیاز برای همه اجزای مدیریت شهری |
| | | برخوردار از مدیران و نیروی انسانی متخصص، توانمند، با تجربه و تعامل‌گرا |
| رویه‌های مطلوب انتخاب مدیران متناسب با شرایط شهرهای جدید | | |
| توسعه مدیریت و انسجام سازمانی | توسعه منابع انسانی و مدیریت | دانش سازمانی با ثبات در مدیریت |
| | | فرآیند مناسب برای جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی متناسب با ویژگی‌های خاص و موقعیت شهرهای جدید |
| | | متوازن بودن درآمد و هزینه اداره شهر (با توجه محدودیتها و کمبودهای منابع مالی) |
| | | استفاده از روش‌های نوین تأمین مالی توسعه شهرهای جدید |
| | | بنیه مالی مطلوب شهرداری‌های شهرهای جدید |
| توسعه مدیریت و انسجام سازمانی | توسعه مدیریت منابع مالی | تنوع در سبد دارایی‌های شهرداری‌ها |
| | | جذب کمک‌های دولت و ایجاد تعهدات مالی قانونی برای دولت در تأمین زیرساخت اولیه شهر جدید |
| | | |
| | | |
| | | |

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

| مؤلفه‌های کلان | مؤلفه‌های خرد | اجزاء |
|-------------------------------|---|---|
| توسعه مدیریت و انسجام سازمانی | قانونگرایی | اقدامات مناسب برای جلوگیری از شهرفروشی، تراکم فروشی و تغییرات زیاد در طرح های توسعه شهری |
| | | مدیریت و پاسخگویی متناسب به درخواستهای سیاسی برای توسعه فضایی با لحاظ نمودن ظرفیت زیرساختها |
| | | مدیریت معارضان اراضی و تصرفات محلی و ممانعت قانونی از بورس بازی زمین |
| توسعه مدیریت و انسجام سازمانی | نظارت و کنترل | برنامه عملیاتی برای مدیریت (کاهنده) پرونده های کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری ها |
| | | پیش مداوم اجرای به موقع تعهدات تمامی اجزای مدیریت شهری |
| | | پیش و ارزیابی دستگاههای خدمات رسان در خصوص تکمیل خدمات شهر جدید |
| | | فعال نمودن سیستم اطلاعاتی رصد و پیش مدیریتی شهرهای جدید |
| توسعه خدمات شهری | توسعه خدمات شهری | پیش مداوم تمامی سیستمها و زیرسیستمهای شهر جدید |
| | | دسترسی بهینه به شهر مادر و پایانها و سامانه حمل و نقل عمومی انبوه، امن، سریع و ارزان |
| فرهنگ توسعه اجتماعی | فرهنگ توسعه اجتماعی | بهبود مداوم خدمات زیربنایی و رونمایی |
| | | تأمین خدمات فرهنگی و اجتماعی برای ارتقای میزان هم پیوندی گروه های اجتماعی |
| توسعه خدمات | بهبود کالبد، سیما و منظر و محیط زیست شهری | واجد برنامهها و رویدادهای فرهنگی و هنری در مرکز یا مراکز و پاتوق های شهری برای ایجاد نشاط اجتماعی |
| | | دستورالعملهای اجرایی برای طراحی معماری و شهری و منظر و تطبیق پوشش گیاهی متناسب با اقلیم و زیست بوم منطقه مبتنی بر ویژگیهای زمینه(ویژگیهای زمینه همچون اجتماعی و فرهنگی و ...) |
| | | طراحی و اجرای پروژههای هویتبخش |
| | | توسعه فضاها و قلمروهای عمومی با ایجاد مرکز یا مراکز و پاتوق های شهری |
| | | کنترل پراکندگی و تفرق بخشهای مختلف شهر وخامفروشی اراضی شهر جدید |
| | | مدیریت توسعه و ساخت شهر مبتنی بر برنامه |
| | | تأمین ایمنی در ساختار شهری با تقویت ساختار مدیریت بحران و پدافند غیرعامل |
| | | تأمین و ارتقای امنیت سکونت و فعالیت و جلوگیری از حضور بزه کاران |
| | | برنامه ها و اقدامات کنترل و کاهش آلوده کنندههای محیط زیستی |
| | | مدیریت و ساماندهی حرایم(به ویژه حرایم موجود در محدوده شهر) |

ب- تجزیه و تحلیل روششناسی دلفی فازی (FDM)

این تجربه و تحلیل در چهار گام به ترتیب زیر انجام شده است:

گام ۱: تجمیع نظرات خبرگان در مورد کدهای اولیه

از ۲۲ خبره مشارکتکننده در پژوهش متناسب با ۵۴ کد اولیه (زیرطبقه فرعی / اجزای مولفه های خرد) شناسایی شده در تحلیل محتوای مصاحبهها، پرسش‌هایی به منظور سنجش اثر آن کد در مدیریت شهری منسجم در شهرهای جدید ایرانی با پاسخهای کاملاً مخالف، مخالف، بی‌نظر، موافق و کاملاً موافق مطرح شد. همچنین در این جدول نمرات فازی هر کدام از سوالات بر اساس فرمول مقاله لیو و لیو (۲۰۰۳) محاسبه شده است. نمرات فازی شامل سه نمره حداقل (L)، نمره بینابین (M) و نمره حداکثر (U) میباشد که نمره حداقل به معنای کمترین مقداری است که خبرگان برای هر سوال انتخاب کرده‌اند، دو نمره دیگر نیز به همین ترتیب است. نمره حداکثر بالاترین مقداری است که خبرگان برای هر سوال انتخاب کرده‌اند و نمره بینابینی به معنای میانگین هندسی کلیه نظرات خبرگان برای هر سوال میباشد.

گام ۲: محاسبه میزان توافق میان خبرگان در مورد کدهای اولیه

مبنای محاسبه تفاضلها، فرمول چانگ و همکاران (۲۰۱۱) است. در این فرمول ابتدا مجموع مجذورات تفاضل هر کدام از نمرات فازی از میانگین وزنی نمرات فازی محاسبه شده تقسیم بر سه میشود و در نهایت جذر آن به عنوان مقدار توافق میان خبرگان محاسبه میشود. برای محاسبه توافق میان خبرگان در ابتدا نمرات فازی را که بر اساس نمرات خام پاسخها محاسبه شده بود به نمرات فازی بر مبنای یک محاسبه شدند. علت اینکه نمرات بر مبنای یک محاسبه شدند آن بود که

در محاسبات چانگ و همکاران (۲۰۱۱) مبنای نمرات فازی از یک است. برای تبدیل نمرات فازی به نمرات فازی با مبنای یک آنها تقسیم بر پنج شده است، زیرا مقدار حداکثر نمرات فازی برای همه سوالات نمره ۵ است. نمرات فازی حداقل ۰/۵۴۹۰۹، برای نمرات فازی بینابین ۰/۸۴۶۲۵ و برای نمرات فازی حداکثر یک است. سپس میزان عدم توافق بین پاسخهای خبرگان سنجیده شد. هر چه این مقادیر بزرگ باشد و به یک نزدیکتر باشد، به معنای عدم توافق و هر چقدر کوچکتر باشد، به معنای توافق بین پاسخگویان است. مبنایی که چانگ و همکاران برای تشخیص توافق مطرح میکنند، مقدار ۰/۲ است. به این معنا که ارقام بالای ۰/۲ به معنای عدم توافق و ارقام زیر ۰/۲ به معنای توافق است. در این پژوهش تمامی ارقام از ۰/۲ کوچکتر بوده و این به معنای توافق کامل خبرگان در دور اول دلفی فازی است. گام ۳: تجمیع نظرات خبرگان در مورد مولفههای پژوهش

همچون گام ۱، نمرات فازی هر کدام از مولفها بر اساس فرمول لیو و لیو محاسبه شده است و نمرات فازی حداقل، میانگین و حداکثر نیز برآورده شده است. جدول مربوطه به ترتیب زیر است:

جدول ۲- تجمیع نظرات خبرگان در مورد مولفه‌های پژوهش

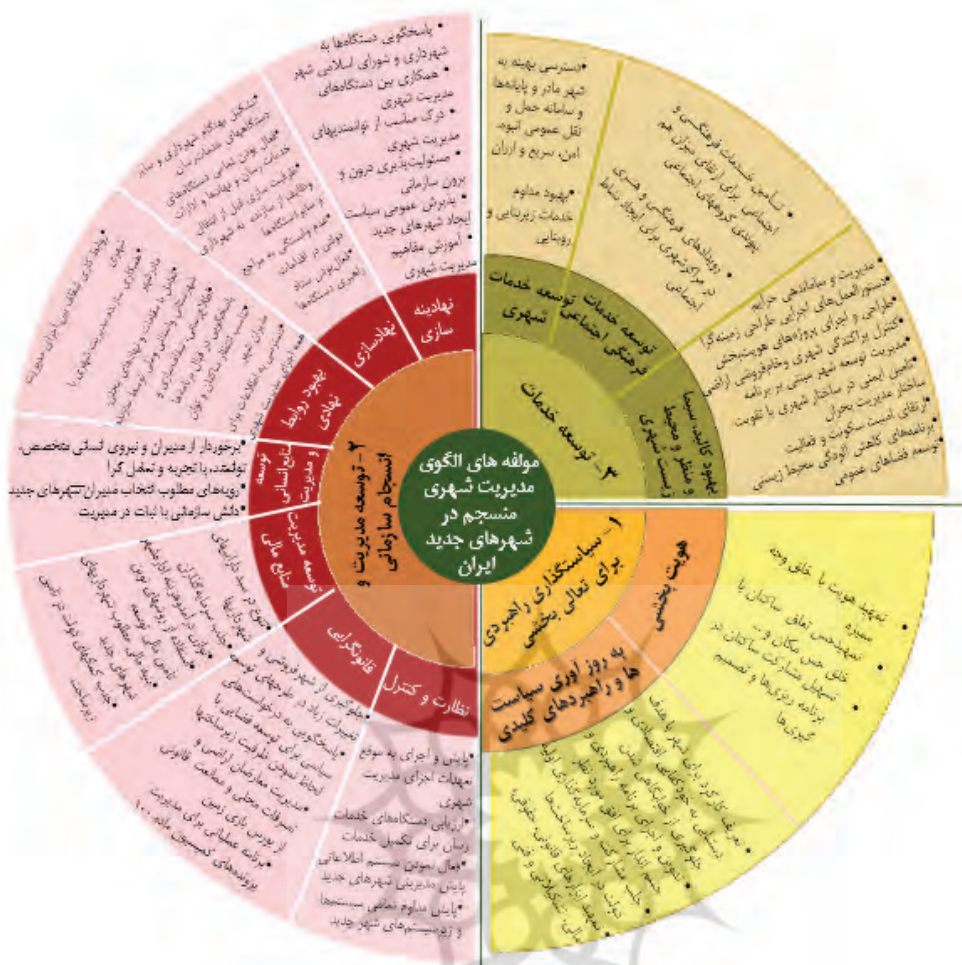
| مقادیر فازی | | | طیف پاسخها | | | | سوالها | مولفه‌ها |
|-------------|------|---|--------------|-------|--------|-------|--------|--|
| U | M | L | کاملاً موافق | موافق | بی نظر | مخالف | | |
| ۵ | ۴,۶۶ | ۴ | ۱۵ | ۷ | | | | آیا به نظر شما سیاستگذاری راهبردی برای تعالی بخشی به شهری در اولویت ترین بعد انسجام بخشی نظام مدیریت شهری آن است؟ |
| ۵ | ۴,۳۷ | ۳ | ۱۰ | ۱۱ | ۱ | | | آیا به نظر شما توسعه مدیریت و انسجام سازمانی اجزای مدیریت شهری در شهرهای جدید یکی از ابعاد مهم و اولویت دوم انسجام بخشی به نظام مدیریت شهری این شهرهاست؟ |
| ۵ | ۴,۴۷ | ۴ | ۱۱ | ۱۱ | | | | آیا به نظر شما توسعه خدمات شهری به عنوان یک بعد اساسی و سومین اولویت باعث تبلور انسجام در نظام مدیریت شهری شهرهای جدید است؟ |

الگوی مدیریت شهری منسجم در شهرهای جدید ایران سه متغیر اصلی «سیاستگذاری راهبردی برای تعالی بخشی»، «توسعه مدیریت و انسجام سازمانی» و «توسعه خدمات» در قالب ۱۲ مقوله محوری دارد. مجموعه این مولفه‌ها و مقوله های محوری آنها در قالب نمودار زیر آورده شده‌اند.

گام ۴: محاسبه میزان توافق میان خبرگان در مورد مولفه‌های پژوهش در این بخش همچون گام دوم میزان توافق خبرگان بر مبنای نمرات فازی آنها محاسبه شده است. این مقدار برای نمرات فازی حداقل ۰/۷۳۳۳۳، برای نمرات فازی بینایی ۰/۹۰ و برای نمرات فازی حداکثر یک است. در رابطه با عدم توافق بین پاسخهای خبرگان ارقام به ترتیب ۰,۰۰۳۳، ۰,۰۰۳۹ و ۰,۰۰۰۶ می باشد که تمامی ارقام از ۰/۲ کوچکتر بوده و این به معنای توافق کامل خبرگان است.

بحث و نتیجه گیری

نتایج پژوهش‌های مختلف در حوزه مدیریت شهرهای جدید به عنوان راهکار اصلی بهبود نظام مدیریت شهری شهرهای جدید به عنوان یکی از چالش های اصلی این شهرها بر ایجاد ساختار سازمانی منسجم در نظام مدیریت شهری شهرهای جدید ایران تاکید می کند. بر مبنای تحلیل محتوای مصاحبه‌های خبرگان این حوزه و تأیید یافته‌ها بر اساس روش دلفی فازی مولفه‌های



نمودار ۱- مولفه‌های الگوی مدیریت شهری منسجم در شهرهای جدید ایران

عنوان مقوله‌های محوری مولفه پایه ای «سیاستگذاری راهبردی برای تعالی بخشی»، مدیریت شهری منسجم در شهرهای جدید است که بایستی برای رسیدن به انسجام سازمانی مورد نظر در تقویت این مولفه‌ها در قالب برنامه عملیاتی اجرای پیشنهادها این پژوهش کوشید. تا از رهگذر ارتقای انسجام در مدیریت شهری شهرهای جدید بتوان شاهد «بهبود و توسعه مدیریت شهری شهرهای جدید» به عنوان هدفی میان مدت و هم چنین هدف بلند مدت «بهبود و توسعه شهرسازی شهرهای جدید» بود.

بر اساس نتایج یافته‌های پژوهش میتوان پیشنهادها را زیر را جهت رسیدن به الگوی مدیریت شهری منسجم در شهرهای جدید در دو حوزه به شرح زیر پیشنهاد کرد:

ثمره عملی این یافته‌ها تأکید بر این گزاره است که به همان میزان که مولفه «توسعه خدمات» مورد نیاز ساکنان شهرهای جدید در سه مقوله «توسعه خدمات شهری»، «توسعه خدمات فرهنگی و اجتماعی» و «بهبود کالبد، سیما و منظر و محیط زیست شهری» نماگر بهبود نظام مدیریت شهری شهرهای جدید است حرکت در جهت ارتقای انسجام سازمانی و توسعه مدیریت از طریق مقوله‌های محوری «نهادینه‌سازی»، «نهادسازی»، «بهبود روابط نهادی»، «توسعه منابع انسانی و مدیریت»، «توسعه مدیریت منابع مالی»، «قانونگرایی» و «نظارت و کنترل» از ضروریات این مسیر خواهد بود. «به روزآوری سیاستها و راهبردهای کلیدی» و «هویتبخشی» نیز به

- الف- بهبود و توسعه مدیریت شهری شهرهای جدید
- تدوین و اجرای برنامه راهبردی با هدف توسعه مدیریت شهری شهر جدید؛
 - یافتن ظرفیتهای اقتصادی و تجاری شهرهای جدید جهت درآمدزایی و توسعه درآمدهای پایدار و دستیابی به خودکفایی؛
 - جذب مشارکتهای مردمی از طریق گسترش برنامههای اجتماع محور و توسعه هیئتی اجتماعی؛
 - تعامل با نهادهای ملی و استانی جهت تطبیق و اصلاح شیوههای مدیریت شهری در شهرهای جدید با اسناد فرادستی؛
 - ایجاد و فعالسازی سیستم رصد و پایش فرآیندهای مدیریت شهری؛
 - ایجاد سیستم نیازسنجی عمومی برای درک بهتر چالشها و نیازهای شهروندان شهرهای جدید؛
 - ایجاد مراکز اداری و سازمانی مرتبط در شهر جدید جهت تسهیل استفاده از خدمات آنها توسط شهروندان؛
 - تشکیل صندوق توسعه و عمران شهر جدید (حساب پس انداز برای شهرداری آینده)؛
 - تمرکززدایی و تفویض اختیار حداکثری به شرکت عمران / سازنده شهر جدید.
- ب - بهبود و توسعه شهرسازی شهرهای جدید
- تدوین سند جامع توسعه شهرهای جدید با استفاده از نتایج پژوهشهای علمی؛
 - یافتن عناصر هویتبخش در شهرهای جدید و تبدیل این عناصر به برندی برای طرح آوازه و هویت شهری به این شهرها؛
 - تدوین دستورالعملهای ویژه برای طراحی معماری منظر و طراحی شهری محورهای اصلی شهری شهر جدید؛
 - توجه ویژه به ایجاد مراکز محله و جلوخان مدارس و مساجد و مراکز و پاتوقهای شهری با هدف توسعه فضاها و قلمروهای عمومی برای
- ارتقای ارتباطات اجتماعی شهروندان؛
- تهیه پیوستههای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در پروژههای توسعه شهرهای جدید؛
 - توسعه خدمات شهری، اجتماعی و زیبایی مناظر شهری از طریق گسترش سیستمهای حمل و نقل عمومی، احداث فضاهای عمومی از قبیل فرهنگسراها، توسعه پارکها و فضای سبز، تقویت خدمات رسانی الکترونیکی و زیباسازی مناظر شهری با مشارکت دولت مرکزی.
- برای پژوهشهای آتی پیشنهاد می شود پژوهشهایی با هدف تبیین مفهوم، تعیین و ارزیابی آثار و نقش «سیاستگذاری راهبردی برای تعالی بخشی به شهر جدید»، «توسعه خدمات شهری» و «توسعه مدیریت و انسجام سازمانی» به عنوان مؤلفههای مدیریت شهری منسجم شهرهای جدید انجام و از رویکردهای کیفی از قبیل نظریه منبایی و پدیدارشناسی تجارب زیسته شهروندان در مورد مدیریت شهری در شهرهای جدید استفاده شود. همچنین پژوهش مشابهی با جامعه آماری شهروندان و غیرخبره را می توان پیگیری نمود.
- محدودیتهای پیشبرد این پژوهش عبارتند از: کمبود اسناد مکتوب مرتبط در داخل کشور، تفاوت ماهوی شهرهای جدید ایرانی با نمونههای خارجی، زمان بردن یافتن و امکان ملاقات با افراد پیشکسوت و با سابقه ایجاد شهرهای جدید که در زمان پژوهش از شهرهای جدید جدا شده بودند و پراکندگی شهرهای جدید در سطح کشور که امکان جلسات گروهی را بسیار سخت می نمود.

منابع

- ۱- آئینی، محمد (۱۳۹۳)، «مدیریت شهری در ایران از نگاه قوانین»، تهران، موسسه فرهنگی هنری رایحه نسیم.
- ۲- آئینی، محمد. ذیحی، حسین. زرآبادی، زهرا سادات سعیده (۱۳۹۸)، «بررسی چالشهای نظام مدیریت شهری در شهرهای جدید ایرانی»، فصلنامه علمی

- اقتصاد و مدیریت شهری، پیاپی ۲۷، ۱۵-۱.
- ۳- ارجمندنیان، اصغر (۱۳۷۸)، «حیات اجتماعی در شهر جدید»، فصلنامه آبادی، شماره ۲۹-۳۱، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، ۵۰-۴۱.
- ۴- امامی، میترا. عرب، نرگس (۱۳۹۶)، «مروری بر شاخصهای مکانیابی شهر جدید»، فصلنامه انسان و محیط زیست، شماره ۴۱، ۱۳۱-۱۴۳.
- ۵- حسینزاده دلیر، کریم. پورمحمدی، محمدرضا. سیدفاطمی، سیدمجید (۱۳۹۰)، «بررسی ضرورت ایجاد شهرهای جدید در نظام شهری ایران»، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری (دانشگاه تبریز)، دوره ۱۶، شماره ۳۸، ۱۸-۱.
- ۶- حیدری، جهانگیر (۱۳۹۳)، «بررسی ضرورت ایجاد شهر جدید عالیشهر و ارزیابی عملکرد آن»، نشریه برنامه‌ریزی فضایی، سال چهارم، شماره ۳، پیاپی ۱۴، ۱۱۵-۱۳۴.
- ۷- داستان، محمدخلیل (۱۳۸۴)، «جایگاه شهرهای جدید در توسعه پایدار»، مجموعه مقالات شرکت عمران شهرهای جدید (جلد سوم)، تهران، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید.
- ۸- زبردست، اسفندیار. جهانشاهلو، لعل (۱۳۸۶)، «بررسی عملکرد شهر جدید هشتگرد در جذب سرریز جمعیت»، مجله جغرافیا و توسعه، ۵ (۱۰)، ۲۲-۵.
- ۹- زیاری، کرامت‌الله (۱۳۹۴)، «برنامه‌ریزی شهرهای جدید»، چاپ پانزدهم، تهران، انتشارات سمت.
- ۱۰- زیویار، پروانه. رجبی، آریتا (۱۳۸۷)، «گسترش فضایی و ضرورت ایجاد شهرهای جدید: نمونه موردی شهر جدید پردیس»، فصلنامه سرزمین، ۵ (۱۹)، ۶۵-۵۳.
- ۱۱- سرور، رحیم. توکلی، محمدرضا و بحیرایی، حمید (۱۳۹۵)، «برنامه‌ریزی و مدیریت شهرهای جدید: توسعه اجتماعی و سرزنده سازی شهری»، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ۱۲- شرکت عمران شهرهای جدید (۱۳۸۵)، «بیانیه همایش بین‌المللی شهرهای جدید»، تهران، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید.
- ۱۳- صالحی، اسماعیل (۱۳۸۹)، «شهرداریها و مدیریت بهره‌برداری در شهرهای جدید»، نشریه شهرداری‌ها، سال یازدهم، شماره ۹۹، ۴۷-۴۱.
- ۱۴- قائد رحمتی، صفر و بهنام مرشدی، حسن (۱۳۹۵)، «تحلیل مدیریت سیاسی فضا در شهرهای جدید ایران و ارائه برنامه‌های راهبردی»، پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، سال اول، ش چهارم، ۱۳۷-۱۱۵.
- ۱۵- طلاچیان، مرتضی (۱۳۸۴)، «نگاهی به شهرهای جدید ایران»، تهران، شرکت عمران شهرهای جدید.
- ۱۶- عادل مهربان، مرضیه (۱۳۹۴) «مروری بر تحلیل محتوای کیفی»، اصفهان، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.
- ۱۷- کاظمیان، غلامرضا. صالحی، اسماعیل. ایازی، سیدمحمدهادی. نوذری‌پور، علی. ایمانی جاجرمی، حسین. سعیدی رضوانی، نوید و عبداللهی، مجید (۱۳۹۲)، «مدیریت شهری»، جلد اول، مبانی و حوزه‌ها، انتشارات تپسا، چاپ اول.
- ۱۸- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۰)، «شهرهای جدید: سنجش دلایل ناکامی‌ها و پیشنهاد راهکارهایی برای آینده»، دفتر امور زیربنایی، شماره مسلسل ۶۲۰۶، کد موضوعی ۴۱۰.
- ۱۹- مروجی، دنیا و ناصر مشهدی زاده (۱۳۷۵)، «گذری بر تاریخ شهرسازی ایران در دوره جدید از نوسازی و بهسازی شهرها تا ایجاد شهرهای جدید»، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد چهارم، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- ۲۰- مزینی، منوچهر (۱۳۷۳)، «مقالاتی در باب شهر و شهرسازی»، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

Logistics, Informatics and Service Sciences (LISS).

30- Somerville, J. (2008), «Critical factors affecting the assessment of student learning outcomes: A Delphi study of the opinions of community college personnel», *Journal of Applied Research in the Community College*. 186- 199.

31- Zamani, B., & Arefi, M (2013), « Iranian New Towns and their Urban Management Issues: A critical review of influential actors and factors», *Cities*. 105- 112.

32- Ziari, K. (2006), «The planning and functioning of new towns in Iran, *Cities*, 23(6).422 412- .

Persian References

1- Aeeni, Mohammad (1393), «Urban Management in Iran in terms of Law», Tehran, Rayehe Tasnim Arts-Cultural Institute.

2- Aeeni, Mohammad. Zabihi, Hossein. Zarabadi, Zahra Sadat Saeedeh (1398), «Investigating the challenges of urban management in Iranian new towns», *Journals of Urban Economics and Management*, no27, pp 1-15.

3- Arjmandnia, Asghar (1378), «Social life in new town», *Abadi Journal*, no 29-31, Tehran, Urban Plannig and Architecture Research Centre of Iran, pp 41-50.

4- Emami, Mitra. Arab, Narges (1396), «A Review of New Towns Location indicators», *Human and Environment Journal*, no 41, pp 131-143.

5- Hosseinzadeh Dalir, Karim. Pourmohammadi, Mohammadreza. Seyed Fatemi, Seyed Majid (1390), «Investigating the Necessity of Creating new towns in Iranian urban system», *Journal of Geographi and Urban Planning*, Volume 16, no 38, pp 1-18.

6- Heydari, Jahangir (1393), «Investigating the Necessity of Creating Alishahr new town and its performance evalu-

۲۱- هراتی، سودابه و پروانه زیویار (۱۳۹۱)، «جایگاه شهرهای جدید در نظام شهری»، چاپ اول، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی شعبه دانشگاه شهید بهشتی.

22- Antcliff, D., Keeley, P., Campbell, M., Oldham, J., & Woby, S. (2013). « The development of an activity pacing questionnaire for chronic pain and/or fatigue: a Delphi technique». *Physiotherapy*, 99(3).

23- Chang, P., Hsu, C., & Chang, P. (2011), «Fuzzy Delphi method for evaluating hydrogen production technologies», *International Journal of Hydrogen Energy*.

24- Cowan, D., Brunero, S., Lamont, S., & Joyce, M. (2015), « Direct care activities for assistants in nursing in inpatient mental health settings in Australia: A modified Delphi study», *Collegian*, 53-60.

25- Förster, B., & von der Gracht, H. (2014), «Assessing Delphi panel composition for strategic foresight — A comparison of panels based on company-internal and external participants», *Technological Forecasting and Social Change*, 215- 229.

26- Habibi, A., Jahantigh, F., & Sarafrazi, A. (2015), «Fuzzy Delphi Technique for Forecasting and Screening Items», *Asian Journal of Research in Business Economics and Management*. 130- 143.

27- Liu, Y., & Liu, B. (2003), « Expected Value Operator of Random Fuzzy Variable and Random Fuzzy Expected Value Models», *International Journal of Uncertainty, Fuzziness and Knowledge-Based Systems*, 445-450.

28- Polit, D., & Beck, C. (2013), «Essentials of nursing research. Philadelphia», Wolters Kluwer/Lippincott/Williams & Wilkins Health.

29- Saffie, N., Shukor, N., & Rasmani, K. (2016), «Fuzzy delphi method: Issues and challenges», *International Conference On*

- new towns and presentation of strategic plans», Journal of Political Geography researchs, no4, pp 115-137.
- 15- Talachian, Morteza (1384), «Look at Iranian new towns», Tehran, Publication of New Towns Development Company.
 - 16- Adel Mehraban, Marziye, (1394) «A review of qualitative content analysis», Isfahan, Isfahan University of Medical Sciences.
 - 17- Kazemian, Gholamreza. Salehi, Esmail. Ayazi, Seyed Mohammad Hadi. Nozarpour, Ali. Imani Jajarmi, Hossein. Saee-di Rezvani, Navid. Abdollahi, Majid (1392), «Urban Management», Tisa publication, First edition.
 - 18- Parliament of Islamic Republic of Iran Research Center (1380), «New towns: Evaluate the causes of failure and propose solutions for the future», Office of infrastructure affaires, no 6206, code 410.
 - 19- Moraveji, Donya. Mashhadizadeh, Naser (1375), «A review of the history of Iranian urbanization in the new era from urban revitalization to creating new towns», Articles collection of Iranian Congress of Architecture and Urban History (volume4), Tehran, National Heritage Organization.
 - 20- Mozayeni, Manoochehr (1373), «Articles about city and Urbanism», Tehran, publication of Tehran University.
 - 21- Harati, Soudabeh. Zivyar, Parvaneh (1391), «The position of new towns in urban system», First Edition, Tehran, publication of Jihad University, Branch of Shahid Beheshti University.
 - 22- «The position of new towns in sustainable development», Journal of Spatial Planning, 4th year, no 3, Volume 14, 115-134.
 - 7- Dastan, Mohammad Khalil (1384), «The position of new towns in sustainable development», Articles collection of New Towns Development Company (volume3), Tehran, Publication of New Towns Development Company.
 - 8- Zebardast, Esfandiar. Jahanshahloo, Lala (1386), «Investigating of Hashtgerd new town performance on population overflow», Journal of Geography and Development, no 5, pp 5-22.
 - 9- Ziari, Keramatollah (1394), «Planning of New Towns15 ,» Printing, Tehran, Semat Publication.
 - 10- Ziviyar, Parvaneh. Rajabi, Azita (1387), «Spatial development and necessity of creating new towns: case study of Pardis new town Planning of New Towns», Journal of New Towns», Journal of Sarzamin. No 5. pp 53-65.
 - 11- Sarvar, Rahim. Tavakoli, Mohammadreza. Bahirayi, Hamid (1395). «Planning and management of new towns: social development and urban liveability», Tehran, Publication of Armed Forces Geographical Organization.
 - 12- New Towns Development company (1385), «Statement of the international conference on new towns», Tehran, Publication of New Towns Development Company.
 - 13- Salehi, Esmail (1389), «Municipality and operational management in new towns», Journal of Shahrdariha, no 99, pp 41-47.
 - 14- Ghaed Rahmati, Safar. Behnam Morshedi, Hasan (1395), «Analysis of the political management of space in Iran